یک خشم بی‌پایان

پرونده‌ای برای فیلم‌هایی که با موضوع قتل‌های زنجیره‌ای ساخته شده‌اند. به همراه گفت‌وگوی مفصل با ابراهیم ایرج‌زاد کارگردان فیلم «عنکبوت» به بهانه اکران این فیلم

مرجان قاظمی
هفت صبح

حدود بیست سال بعد از جنجالی که به واسطه قتل‌های زنجیره‌ای معروف به عنکبوتی در شهر مشهد رخ داد، ابراهیم ایرج‌زاد تصمیم گرفت روی این سوژه دست بگذارد و فیلم دومش را با نام «عنکبوت» به این ماجرا اختصاص دهد. داستان فیلم درباره سعید حنایی، قاتل زنجیره‌ای مشهدی است که بعد از قتل ۱۶ زن در سال ۱۳۸۱ اعدام شد. از اواخر دهه هفتاد فیلم‌های مختلفی با موضوع قتل‌های زنجیره‌ای ساخته شده و حالا «عنکبوت» هم در همین دسته‌بندی قرار می‌گیرد. به بهانه اکران فیلم «عنکبوت» در این پرونده گفت‌وگوی مفصلی با ابراهیم ایرج‌زاد، کارگردان فیلم انجام داده‌ایم. در بخش دیگری از پرونده هم مروری داریم بر هفت فیلم سینمایی که با موضوع قتل‌های زنجیره‌ای ساخته شده‌اند.

پیش درآمد

در کمال خونسردی

درباره ویژگی‌های فیلم «عنکبوت» و بازسازی واقعه تلخی در بیست سال پیش

مهسا سادات رضوی

معمولا وقتی فرار می‌شود سال‌ها بعد از وقوع یک اتفاق یا یک پرونده قتل فیلمی درباره آن ساخته شود انتظار می‌رود کارگردان به جای دست گذاشتن روی اصل واقعه و بازسازی صرف آن، مسئله را از نقطه نظر دیگری روی خاطرات یک جوره‌ایی فیلمی پیش روی مخاطبانش بگذارد که بیشتر برگرفته از آن واقعیت است اما که ابراهیم ایرج‌زاد با همراهی اکثری باهایی تصمیم گرفته‌اند کانون تمرکزشان را روی صفر تا صفر واقع بگذارند و در دل بازسازی کامل آنها شخصیت را معرفی کنند و از طرز تفکر و احساساتش هنگام انجام این قتل‌ها پرده برداریم. از همه مهمتر اینکه سعی کرده‌اند حتی از شانزده زنی که بی‌گناه به قتل رسیده‌اند را به گوش مردم برسانند.

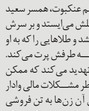

مهسا سادات رضوی

در پایان فیلم عنکبوت، همسر سعید حنایی مقابلش می‌ایستد و بر سرش فریاد می‌کشد و طلاهایی را که به او هدیه داده به طرفش پرت می‌کند. حتی او را تهدید می‌کند که ممکن است به خاطر مشکلات مالی وارد کمال آن زن‌ها به تن فروشی بیفتد و عامل اصلی این مسئله هم خود اوست. واکنشی که باعث می‌شود مخاطبان انتظاری از تماشای فیلم داشته باشند و با خیال راحت‌تری از سال‌های سینما خارج شوند. اما واقعیت، همسر سعید حنایی یکی از مدافعان او بود و معتقد بود در پی اصلاح بوده و خودش هم هیچ حس بدی از اینکه همسرش شانزده زن را کشته نداشت.

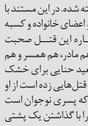

مهسا سادات رضوی

بخش مهمی از اطلاعات فیلم «عنکبوت» برگرفته از اسنادی به نام «همدم از عنکبوت» ساخته مازیار بهاری گرفته شده. در این مستند با خود قاتل و اعضای خانواده و کسبه محل درباره این قتل صحبت می‌کنند. هم مادر، هم همسر و هم پسر این خانواده نسبت به اینکه سعید حنایی برای خشک کردن ریشه فساد دست به چنین قتل‌هایی زده است از او دفاع می‌کنند. حتی پسر خانه که پسری نوجوان است بدون هیچ مشکلی صحنه قتل‌ها را با گذاشتن یک پشتی روی زمین بازسازی می‌کند و بعد از اینکه پدر چنین پسری است به خودش می‌بالد و می‌گوید راه سعید حنایی ادامه پیدا می‌کند.

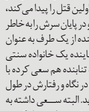

مهسا سادات رضوی

یکی از ویژگی‌های مهم فیلم، بازی محسن تنابنده در نقش سعید حنایی است. شخصیتی که اینجای فیلم برای قتل اعتمادبه‌نفسی زیادی ندارد. یک مقدار ترسو است و حتی می‌خواهد ارشاد شود اما بعد از اینکه جرات و جسارت اولین قتل را پیدا می‌کند، رفته‌رفته خصلت‌هایش تغییر می‌کند و در پایان سرش را به خاطر کاری که کرده بالا می‌گیرد. بازی تنابنده از یک طرف به عنوان یک بنای ساده و از طرفی به عنوان نماینده یک خانواده سنتی متعصب به درستی شکل گرفته. خود تنابنده هم سعی کرده با خونسردی و آرامش و البته تغییری که در نگاه و فرازش در طول فیلم دارد از پس ایفای این نقش بربیاید. البته سعی داشته به لحاظ رفتار و لحن صحبت کردن مشابه خود حنایی عمل کند.

می‌خواستند این سوژه ممنوعه پنهان بماند

ابراهیم ایرج‌زاد که سال ۱۳۹۵ با فیلم «تابستان داغ» به مخاطبان معرفی شد، حالا در فیلم دومش «عنکبوت»، روی ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای سعید حنایی دست گذاشته است. به بهانه اکران این فیلم با او مفصل گپ زده‌ایم

ساخت فیلمی درباره یک قاتل زنجیره‌ای که شانزده زن خیابانی را برای پاک کردن فساد از جامعه به قتل رسانده، سوژه حساسی است که شاید به این راحتی‌ها نشود فیلمی درباره‌اش ساخت. ابراهیم ایرج‌زاد بعد از ساخت اولین فیلم بلندش «تابستان داغ» دست روی این سوژه گذاشت و برای به سرانجام رساندن آن با مشکلات زیادی روبه‌رو شد. به بهانه اکران این فیلم در سینماهای ایران درباره چالش‌ها و مشکلات و ممیزی‌ها و به طور کلی چالش‌هایی که پشت سر گذاشته با او گپ زده‌ایم.

» ماجرای قاتل عنکبوتی بیست سال پیش رخ داد و در آن دوره سروصدای زیادی به راه انداخت. چه شد بعد از گذشت این همه سال تصمیم گرفتید فیلمی در این باره بسازید؟

من متولد شهر مشهد هستم و آن سالی که این اتفاق افتاد، نوزده ساله بودم و سال آخر رشته کارگردانی سینما در هنرستان سوره. خیر آمد قتل‌هایی در شهر درحال وقوع است و قاتل، زنان را هدف قرار داده. با بالا رفتن تعداد قتل‌ها، وحشت زیادی کل شهر را فرا گرفت و در ادامه به واسطه روزنامه‌ها کل کشور از این ماجرا خبردار شدند. تاثیر این رخداد در ذهن من ماند تا اینکه ماه‌ها بعد شرایط در شهر که قاتل دستگیر شد. روزنامه‌ای تهیه کردم ببینم قاتلی که یک سال تمام فضای رسانه‌ای را به خودش اختصاص داده بود چه کسی است و چه فکر و اندیشه‌ای دارد. وقتی با تصویر قاتل مواجه شدم اصلا برایم باور کردنی نبود که یک انسان معمولی یک بنای چهل ساله با شمایلی خونسرد، دست به چنین قتل‌هایی زده و وقتی که توسط پلیس دستگیر شده هیچ ابایی از اینکه سرش را بالا بگیرد و به کاری که انجام داده اقرار کند ندارد. حتی صحبت از لیست صدوچهارده نفره‌ای زنانی می‌کرد که اثر دستگیر نمی‌خورد. اینها را هم به قتل می‌رساند و حتی از قربانی‌هایش به عنوان سوسک و موش و موجودات بی‌ارزشی که برای جامعه ضرر دارند یاد می‌کرد و می‌گفت آنها را به سزای عمل‌شان رسانده و جامعه را از وجودشان پاک کرده. تاثیر چنین صحبت‌هایی از زبان چنین فردی در ذهن من ماند تا اینکه سال‌ها بعد با اتمام تحصیلات دانشگاهی در رشته سینما و بعد از ساخت هفت فیلم کوتاه و یک فیلم بلند تصمیم به ساخت این فیلم گرفتم.

» مراحل نگارش فیلمنامه چطور بود؟ در تمام مسیر با اکثری باهایی همراه بودید؟

طی گفت‌وگویی که سال ۹۶ با اکثری باهایی داشتم فهمیدم او هم نسبت به این موضوع دغدغه دارد. صحبت کردیم و خیلی زود باهم عقیده شدیم که الان بعد از گذشت نزدیک به دو دهه از وقوع چنین حادثه‌ای بروز و ظهور چنین پدیده‌هایی، دیگر شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه برای نقد این کاته تند نسبت به هر زمان دیگری آماده‌تر به نظر می‌رسد و چرا که نه؟ پس دست به کار تحقیق و مطالعه پیرامون موضوع زدیم. همه امکانات را مطلاحا فعال کردیم.

» بخش مهمی از اطلاعات فیلم «عنکبوت» از گفته‌های خانواده سعید حنایی در مستند «عنکبوت آمد» مازیار بهاری گرفته شده. آیا غیر از این باز هم برای ساخت فیلم، تحقیقات جدیدی انجام دادید؟

ما چند منبع تحقیقی قوی حول سوژه و واقعه داشتیم اول از همه آرشیو روزنامه‌هایی که آن زمان به دقت و با جزئیات کامل به ماجرا پرداخته بودند مثل روزنامه ایران، خراسان و خبر گزاری‌هایی که جلسات علنی دادگاه‌ها را پوشش داده بودند استفاده کردیم. دوم پرونده قاتل و جزئیات بازپرسی‌ها و اعترافات او بود بماند که به چه طریقی توانستیم به پرونده منهم دسترسی پیدا کنیم و جزئیات بازجویی‌ها را مطالعه کنیم. از طرف دیگر مستند مازیار بهاری هم که همان سال درباره این قاتل ساخته بود و گفت‌وگوهایی که با خود قاتل و اعضای خانواده و سایر افرادی که به نحوی با این پرونده در گیر بودند مثل قاضی و مردم شهر و کوچه و بازار آنجام داده بود اطلاعات خوبی در اختیارمان قرار می‌داد. جدای از اصل خود پرونده، من و اکثری باهاتی مطالعه بسیار دقیقی روی پرونده قاتل‌های زنجیره‌ای و اصول شمایل و ویژگی‌هایی که در آنها مشترک است انجام دادیم. اصولا قاتل‌های زنجیره‌ای که با چنین شیوه‌ای اقدام به قتل می‌کنند دارای اشتراک‌هایی هستند که این خودش باز یک منبع دیگری بود برای ما و همچنین رفتن سراغ ادبیات و فلسفه و نگاه به آثار نویسنده‌های شناخته شده‌ای مثل داستایوفسکی و کمی بر کفور خودش یک بخش دیگری از دایره اطلاعات ما را نسبت به چنین سوژه حساسی کامل می‌کرد.

» در فیلم «عنکبوت» به بازسازی وقایع پرداخته‌اید و سعی کرده‌اید در اکثر موارد به تمام جزئیات پایبند بمانید. در واقع فیلم شما بیشتر به چگونگی انجام این قتل‌ها پرداخته و کمتر از چرایی صحبت به میان آورده. در حالیکه شاید انتظار می‌رفت بعد از این همه سال اگر قرار است فیلمی در این باره ساخته شود فراتر از نقل یک واقعه باشد و یک جورهایی افکار چنین افرادی را ریشه‌یابی کند و به لحاظ روانشناسانه با این مسائل روبه‌رو شود. قصد شما این بوده که فقط یک واقعه تلخ را ماندگار کنید با سخت‌گیری‌ها و شرایط دشوار زمان ساخت فیلم منجر به این شد که سراغ واکاوی شخصیت‌ها و ریشه‌یابی نروید؟

به هرحال حساسیت موضوع به واسطه نوع تکاه قاتل و نوع صحت‌هایی که زمان دستگیری بیان می‌کند این پرونده را جزو پرونده‌های ممنوعه قرار داده بود. طبیعتا وقتی می‌خواستم برای فیلم پروانه ساخت بگیرم بسیاری از موانعی که جلوی پای من گذاشته شده بود در راستای پنهان کردن اصل سوژه بود. تمام هم و غم من این بود که اصل سوژه مراقبت شود. چون می‌خواستم این فیلم به شکلی ساخته شود که در همین دوره شرایط نمایش پیدا کند. اینجا برای قاتل در همین زمان بتوانند این فیلم را ببینند. خیلی راحت می‌شد این فیلم را بدون پروانه و به‌صورت زیرزمینی ساخت اما ساخت و نمایش فیلم به این شکل برایم ارزشی ندارد. دلم می‌خواست مخاطب حتما آن را روی پرده ببیند آن هم در همه ایران. برایم مهم بود از سوژه مراقبت کنم تا بر اثر سانسور به چیزی غیر از اصل موضوع و اصل واقعه تبدیل نشود تا از طرفی هم سرانجامش بایگانی و توقیف کامل نماند. من با تمام توانم و به اندازه‌ای که امکان گرفتن پروانه ساخت و نمایش اجازه می‌داد به روی شخصیت و ریشه و دلایل ظهور چنین پدیده‌ای پرداختم و خب باید اینجا بگویم اصلی‌ترین دلیلم برای ساخت فیلم «عنکبوت»، آن شانزده زنی هستند که قربانی شدند. زنانی که در آن سال با برچسب زن خیابانی، بدکاره، روسپی خیلی زود تکلیفشان را مشخص کردند و آنها را جدا از اصل ماجرا قرار دادند و بعد هم متهم را مجازات کردند و همه اصل ماجرا یادشان رفت. وقتی داریم از زن خیابانی صحبت می‌کنیم داریم از یک انسان صحبت می‌کنیم که باید شرایطی که آن را مجبور به تن دادن به مسئله تن فروشی کرده را کالبدشکافی کرد و مورد بررسی قرار داد. فیلم «عنکبوت» به واسطه تعقیب زنانی که فردی که دست به قتل زن‌های خیابانی می‌زند ما را موجب می‌کند با تعدادی از این زنها که هرکدام بخشی از مشکلات و معضلات به این انسان‌های بیچاره و رها شده در دل جامعه را به نمایش می‌گذارند.

» ساخت فیلمی درباره این واقعه طبیعتا با سخنی‌های زیادی همراه بوده. خود شما هم گفته‌اید که مدام مجبور بوده‌اید مسئولان و تصمیم‌گیران را قانع کنید تا بتوانید اجازه ساخت فیلم را بگیرید. با وجود این سخنی‌ها همچنان تاکید داشتید این فیلم ساخته شود. چرا؟

بله خب من از همان ابتدا گاه به این مسئله بوده و یکی از اولین جمله‌هایی که بین من و اکثری باهایی رد و بدل شد این بود که برای ساخت این فیلم، راه سختی در پیش است. فیلمی با موضوعی که همه این سال‌ها خط قرمز بوده اما حب من کفش آهنی پوشیده و برایش آماده شده مهمترین هدفم هم مراقبت از سوژه بود که تبدیل به چیز دیگری نشود و شرایط و امکان اکثری را پیدا کند و به سمتی سرنوشت نشود که باعث توقیف کامل شود. الان که فیلم روی پرده است با خیال راحت می‌توانم بگویم به این دو هدف تا جایی که امکانش وجود داشت رسیدم. الان تقریبا همه شهرها این امکان را پیدا کرده‌اند که فیلم «عنکبوت» را نمایش دهند. دلیل اصلی تاکیدم روی ساخت شدن فیلم هم آن طور که گفتم همان شانزده زن بودند که قربانی این قتل‌ها شدند و با برچسب زن خیابانی به بوته فراموشی سپرده شدند.

» در مستند «و عنکبوت آمد» زمانی که با مردم و کسبه کوچه و بازار درباره این قتل‌ها صحبت می‌شد اکثر آنها معتقد بودند که سعید کار درستی انجام داده و قصدش اصلاح بوده. شاید از روی زمان از اکثری عنکبوت از دست برود تا اینکه بالاخره از روز یکشنبه اول اسفند مشهد هم به جمع سایر شهرها برای اکران عنکبوت بپیوست.

وقتی می‌خواستم برای فیلم پروانه ساخت بگیرم بسیاری از موانعی که جلوی پای من گذاشته شده بود در راستای پنهان کردن اصل سوژه بود. تمام هم و غم من این بود که اصل سوژه مراقبت شود چون می‌خواستم این فیلم به شکلی ساخته شود که در همین دوره شرایط نمایش پیدا کند

من دنبال این نبودم که یک فیلم مستند مبتنی بر لحظه به لحظه واقعیت بسازم. سوژه من خود شخص قاتل و زنان قربانی بود. نه هیچ شخص دیگری. به همین دلیل هم براساس مقتضیات درام، بعضی از کاراکترها ماهیتشان تغییر کرد. یکی از آنها همین کاراکتر همسر قاتل بود. کاکترهای فرعی‌ای را از آنجا انتخاب کنیم به این چالش بزرگ نمی‌رسیدیم.

مشکلات اکران در مشهد

اصولا مشهد از ابتدای ساخت این فیلم آن منطقه ممنوعه مابقی مانده بود. نه می‌توانستیم وارد‌ش شویم و اشاره‌ای به آن داشته باشیم. بحث لهجه هم جای خودش. وقتی رسیدیم به بحث اکران، دوباره حساسیت‌ها شروع شد. عده‌ای فکر می‌کردند فیلم غیرقانونی ساخته شده تصمیم گرفتند قبل از اینکه فیلم به نمایش دربیاید در سینماها خیال خودشان را راحت کنند. این باعث شد پنج روز مخاطب کمک کند اما هدفمان رسیدن به لهجه مشهدی نبود چون ما تعداد زیادی کاراکتر داشتیم که امکان نداشت بتوانیم آنها را در استادارهایی که آقای تابنده و خانم بیات می‌توانستند صاحب لهجه شود قرار دهیم. برای همین تصمیم گرفتیم به جای رسیدن به لهجه مشهدی، یک آهنگی از کلام و بیان آن جغرافیا را در کاراکترهای اصلی آن خانواده قرار دهیم و بقیه کاراکترها را به آن سمت نبریم. اگر می‌توانستیم برویم شهر مشهد و همه کاراکترهای فرعی‌مان را از آنجا انتخاب کنیم به این چالش بزرگ نمی‌رسیدیم.

بارد کردن لهجه مشهدی

مسئله بعدی‌مان مسئله لهجه بود. تصمیم بر این شد که فقط کاراکترهای اصلی آنهم سعید، همسر و مادرش، رنگ و آهنگی از لهجه را در کلامشان پیدا کنند. برای همین هم دایره‌ای از واژگان مربوط به خراسان در دیالوگ‌هایشان کارگذاری شد که به آشنایندی در ذهن مخاطب کمک کند.

در برخی سایت‌های خبری درباره این مسئله نوشته شده که محسن تنابنده دومین انتخاب برای نقش سعید حنایی بوده و ابتدا قصد داشته‌اند از پیمان معادی برای این نقش دعوت کنند. البته گویا ماجرا چندان هم جدی نبوده. البته ابراهیم ایرج‌زاد در این باره اظهارنظری نکند.

کابوس برای اکران

فیلمسازی در ایران و گرفتن پروانه ساخت برای هر فیلمنامه‌ای کار سختی است. حتی ساده‌ترین موضوعات نیاز به توضیح زیاد دارد. وقتی فیلمنامه اساسش چنین پرونده‌ای است همه حساسیت‌ها صدچندان مشکل می‌شود چون مدام درحال تبت خوانی هستند که چرا و برای چی و به شکلی می‌خواهی آن را اکثر کنی و این انرژی زیادی از فیلمساز می‌گیرد. چون بخش اصلی دغدغه‌اش تبدیل می‌شود به ترس، ترس از توقف یا نیمه کاره ماندن کار، مجوز نگرفتن و ... اینها خب بخشی از تاثیر خودشان را در کیفیت کار می‌گذارند. من در تمام مدت زمان تولید فیلم با کابوس تعطیل شدن این کار شب را به صبح می‌رسانده. الان که فیلم رنگ پرده را گرفته از این کابوس‌ها رها شده‌ام. بعضی وقت‌ها هنوز باورم نمی‌شود که بالاخره اکران شد.

ممنوعیت بازسازی در مشهد

روایت ابراهیم ایرج‌زاد از موانع و چالش‌هایی که برای ساخت فیلم عنکبوت در شهر خودش داشته است

ابراهیم ایرج‌زاد اصالتا مشهدی است و همانطور که در مصاحبه هم توضیح داد زمان وقوع این قتل‌های زنجیره‌ای در آنجا اکثر آن را مدام دنبال می‌کرده. از آنجایی که وقایع در شهر مشهد اتفاق افتاده انتظار می‌رفت در فیلم به این مسئله هم اشاره‌ای داشته باشد اما هیچ جا به صراحت اعلام نمی‌شود که محل وقوع قتل‌ها کجاست. با ایرج‌زاد درباره این مسئله گپ زده‌ایم. او از مشکلات ساخت این فیلم در شهر مشهد می‌گوید و اینکه حتی بعد از گرفتن پروانه نمایش، باز هم اکران فیلم در این شهر به مشکل برخورده است تا اینکه بالاخره با پنج روز تاخیر موفق به اکران شده است.

در کالبد قاتل زنجیره‌ای

چگونگی ایفای نقش سعید حنایی توسط محسن تنابنده

یکی از ویژگی‌های مهم فیلم بازی موفق محسن تنابنده است. جدای از گریم متفاوت و ایجاد شباهت ظاهری، لحن صحبت کردن و نگاه کردن تنابنده هم شباهت زیادی به سعید حنایی پیدا کرده است. ایرج‌زاد درباره چگونگی رسیدن تنابنده به نقش و تغییر ویژگی‌هایش در طول فیلم می‌گوید.

یکی از شانس‌های من در ساخت فیلم «عنکبوت»، حضور محسن تنابنده است. خوشبختانه از زمانی که من با او تماس گرفتم و فیلمنامه را فرستادم تا زمانی که پذیرفت در فیلم بازی کند ۲۴ ساعت هم طول نکشید. بلافاصله بعد از خواندن فیلمنامه، علاقه و انگیزه‌اش را برای شکل‌گیری همکاری ابراز کرد. وقتی هم که در جلسه اول نشستیم به گفت‌وگو دیدم خیلی خوب سوژه را می‌شناسد و خیلی اطلاعات دقیقی دارد. این شد باعث یک همکاری بسیار ایده‌آل. تقریبا هیچ وقت اختلاف یا چالشی که ناشی از اختلاف نظر باشد بین من او به وجود نیامد. درباره ناگهمان به کاراکتر سعید خیلی جاها باهم هم نظر بودیم. ایده‌ها در یک راستا پرداخته می‌شد و در خروجی آخر قرار می‌گرفت. یکی از تصمیم‌هایی که من و آکثری باهاتی از ابتدا گرفتیم این بود که این کاراکتر را از نقطه صفر به نمایش بگذاریم و همه آن مسیری که او از صفر تا صد طی می‌کند با نمایش جزئیاتی که برایمان اهمیت داشت پیگیری کنیم. یکی از مسائل مهم برای ما تبدیل شدن یک انسان عادی به یک قاتل زنجیره‌ای بود. همانطور که می‌دانید قاتل زنجیره‌ای به فردی می‌گویند که بیشتر از دو قتل را مرتکب شود. در پرونده‌های قاتل‌های زنجیره‌ای معمولا قتل اول وقوع و بروزش بسیار اهمیت دارد در شکل‌گیری یک قاتل زنجیره‌ای و خب قتل و انجام این عمل اصلا کار راحتی نیست. به همین دلیل یک انسان وقتی اولین بار چنین کاری را انجام می‌دهد گام‌های بعدی‌اش نسبت به اولی تفاوت دارد.

همین باز خورد‌ها هم می‌شد فهمید که زمان ساخت فیلم با مشکلات زیادی روبه‌رو خواهد شد. واکنش‌ها بعد از نمایش فیلم چه بود؟

خب فیلم تازه اکران شده و قبل از آن هم فقط در بخش خارج از مسابقه جشنواره فجر یک تک نمایش داشتیم. اما با توجه به آن اکران و این چند روزی که از نمایش فیلم می‌گذرد، دو دسته واکنش دریافت کردم. یک دسته به خاطر نگاه محافظه کارانه همچنان مخالفند که چنین سوژه‌ای تبدیل به فیلم شود. این طرز فکر از اینجا ناشی می‌شود که نباید سراغ چنین سوژه‌ای رفت و باید اشغال‌ها را زیر فرش پنهان کرد و نمایش پلیدی‌ها و تاریکی‌ها چه دلیلی می‌تواند داشته باشد. دسته دوم که مخاطبان اصلی این فیلم هستند اظهار تشکر و لطف دارند نسبت به من که بالاخره به چنین موضوعی پرداخته‌ام و آن را جلوی دوربین برده‌ام. مسئله‌ای که در سالیان اخیر هم به اشکال مختلف در جامعه اتفاق افتاده است و ظلم و جور فرهنگی اجتماعی هنوز نسبت به زن‌ها وجود دارد. خیلی‌ها هم از این بابت هم متعجبند که چطور توانستم روی چنین سوژه‌ای کار کنم. و فکر می‌کنند همه چیز یک شبه اتفاق افتاده در صورتیکه از سال ۹۶ تا الان که ۱۴۰۰ هستیم من به صورت مدام چهار سال است که در گیر این فیلم هستم.

» نکته قابل توجه در فیلم «عنکبوت» این است که برخلاف پایبندی به واقعیات، اما رویکرد همسر سعید نسبت به قتل‌های او را متفاوت از واقعیت در نظر گرفته‌اید. همسر سعید در گفته‌هایش از او دفاع می‌کند و حتی می‌گوید اگر آزاد شود حاضر است کنارش زندگی کند اما در فیلم شما خودش را جای آن زنان می‌گذارد و النگوها و انگشتری که از سعید هدیه گرفته را برت می‌کند طرفش. علت این تفاوت چه بود؟ آیا مجبور بودید با او گپ زده‌اید و به تغییراتی در تفکرش رسیده‌اید یا اینکه به عنوان کارگردان سعی داشتید تغییری در روند درام ایجاد کنید؟

من دنبال این نبودم که یک فیلم مستند مبتنی بر لحظه به لحظه واقعیت بسازم. سوژه من خود شخص قاتل و زنان قربانی بود، نه هیچ شخص دیگری. به همین دلیل هم براساس مقتضیات درام، بعضی از کاراکترها ماهیتشان تغییر کرد. یکی از آنها همین کاراکتر همسر قاتل است. ما به واسطه حضور سه زن در آن خانه، یعنی یک مادر، یک همسر و یک دختر تصمیم گرفتیم دختر و همسر را در سوی دیگری از ماجرا قرار دهیم و مادر و قاتل را در سویی دیگر و این باعث تولید و تمایز را قتل شویم که بخشی در نور و بخشی در تاریکی قرار گرفته‌اند. این از بحث درام‌اتورژی کار می‌آمد و نیازهای سوژه و درام. هیچ دلیل دیگری نداشتم که بخواهم بدون چنین تصمیمی برایش گرفته شد.

» پس سعید در واقعیت کماکان به پدرش افتخار می‌کند و می‌گوید می‌خواهد ادامه دهنده راه او باشد اما در فیلم اینطور روایت می‌شود که مادر بزرگ‌ش او را به این کار ترغیب می‌کند و خودش با میل خودش این حرف را نمی‌زند. حتی از افتخار هم صحبت به میان نمی‌آید و به دوستت دارم بدر تغییر می‌کند. در باره این تفاوت هم بگویید.

در مورد کاراکتر پسر اگر بخواهم توضیح بدهم اینجا باید از کاراکتر مادر قاتل صحبت کنم. اصولا وقتی پرونده‌های قاتل‌های شاخص را در دنیا واکاوی می‌کنید یک ردپای پررنگی از مادر درون اکثرشان وجود دارد. این را در ادبیات و سینما و سریال‌های شاخصی که از روی این پرونده‌ها ساخته شده‌اند هم می‌بینید. منلار در فیلم روانی هیچکاک هم اتباطی میان قاتل و مادرش می‌بینیم. اینجا هم مادر قاتل که براساس همان شخصیت مادر فلمی و سعید حنایی ساخته شده، مشخصا حضور تاثیر گذاری در این قتل‌ها داشت. اوست که به پسر و نوماش گراهایی می‌دهد. هر حال وقتی از پسر سعید حرف می‌زنیم از نوجوانی حرف می‌زنیم که هنوز به سن بلوغ نرسیده و در سن شکل‌گیری جسمی و فکری قرار دارد و می‌بینیم که تحت تاثیر مادربزرگش که به نوعی نیاندیشه نگاه خشک و خرافه پرستی است که در طبقی از جامعه وجود دارد. همانطور که پدرش تحت تاثیر مادرش قرار دارد. منیر و ماخذ رفتارهای پسر را به شکل نمادین، مادرش قرار داده‌ایم. دیالوگ افتخار می‌کنم هم از همان صحبت‌هایی بود که در فیلم انتقاق افتاد. ما آن لان را گرفته بودیم اما بعدها ما خواستند که تغییر دهیم.

» اکران فیلم در جشنواره‌های جهانی چه واکنش‌هایی داشت؟

اولین جشنواره‌ای که امیدوار بودیم بتوانیم در آن حضور پیدا کنیم. جشنواره کن بود. در شورت‌لیست هم قرار گرفتیم ولی ۴۸ ساعت قبل از اینکه اسامی فیلم‌ها اعلام شود ایمیلی از رئیس فستیوال کن دریافت کردیم مبنی بر اینکه بعد از بحث و جدل بسیار حول فیلم عنکوت تصمیم مدیران جشنواره بر این بوده که این فیلم را انتخاب نکنند. ما دلیلش را متوجه نشدیم. از این زمان به بعد کل جشنوره‌های اروپا درهایشان به روی جشنواره فیلم «عنکبوت» را نمایش دهند. استکهلم که من با فیلم فیلم‌ام آنجا حاضر بودم و بعد از دریافت فیلم عنکبوت هم ایرا از خوشحالی کرده بودند. دیگر جویایی به ما ندادند. اما در آسیا، جشنوره‌های پوسان، اوزاکای ژاپن و بنگلور هند متفاوت برخورد کردند. پوسان خیلی فیلم را بخته و حاژ اهمیت ارزیابی کرد. در اوزاکا نمایش خوبی داشتیم و حالا هم باید ببینیم در هند چه می‌شود.

فیلمنامه «عنکبوت» با قلم اکنای براهنی نوشته شده. او در کارنامه‌اش هم تجربه نویسندگی دارد و هم کارگردانی. سال ۱۳۹۴ فیلم «بل خواب» را کارگردانی کرد. سه سال بعد فیلمنامه فیلم «لتین» را نوشت و بعد رفت سراغ فیلمنامه فیلم «عنکبوت». او قرار بود امسال با کارگردانی فیلم «پیر پسر» در جشنواره حضور داشته باشد که فیلمش نرسید.

02

اولین واکنش به ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای سعید حنایی، در مستند «و عنکبوت آمد» به کارگردانی مازیار بهاری اتفاق افتاد. کارگردان فیلم سعی کرده بود با گفت‌وگو با خانواده سعید حنایی و خانواده قربانیان و قاضی پرونده شرایط فردی و اجتماعی قاتل و نیز مقتولان این جنایات را نشان دهد. این فیلم هیچگاه در ایران اجازه پخش نگرفت.

79

در حالی که فیلم عنکبوت از ۲۶ بهمن در سینماهای کشور اکران شده بود اما تا چند روز خبری از اکران فیلم در سینماهای مشهد نبود. البته این مسئله با واکنش‌هایی روبه‌رو شد. تا اینکه بالاخره از یکم اسفند مشکل اکران در سالن‌های مشهد حل شد و عنکبوت روی پرده رفت.

13

01

قاتلانی که بی‌وقفه می‌کشند

مرور هفت فیلم سینمایی مرتبط با قتل‌های زنجیره‌ای که از اواخر دهه هفتاد تاکنون ساخته شده‌اند

از اواسط دهه هفتاد با وقوع قتل‌های زنجیره‌ای با انگیزه‌های متفاوت و توسط اشخاص و گروه‌های مختلف، توجه‌ها به سمت این مقوله بیشتر جلب شد. قتل‌های زنجیره‌ای و دادگاه‌های قاتلان و صحبت‌های آنها جایگاه مهمی در روزنامه‌ها پیدا کردند. خلاصه اینکه به تبع این اهمیت، توجه سینماگران هم به این سوژه بیشتر شد. از اواخر دهه هفتاد تا اواسط دهه هشتاد بیشترین تعداد فیلم‌های مرتبط با قاتلان زنجیره‌ای ساخته شد. اکثر آنها فیلم‌های تجاری بودند که می‌توانستند مخاطبان عام را راضی کنند اما جایی در جشنواره‌ها به دست نمی‌آوردند. شکل و شمایل فیلم‌هایی درباره قاتلان زنجیره‌ای از ابتدای دهه نود تغییر کرد. حالا دیگر این سوژه، بهانه‌ای بود برای تاکید روی زیرمتن‌ها و توجه به معانی مهمتر. در این بخش روی هفت فیلم مهمی که با موضوع قتل‌های زنجیره‌ای ساخته شده‌اند دست گذاشته‌ایم و در هر مورد مروری داریم روی چگونگی این قتل‌ها و اهمیت آنها در فیلم‌ها.

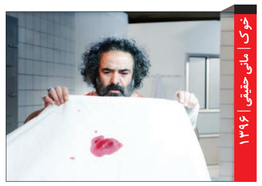

خوک | مانی حقیقی | ۱۳۹۶

ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای «خوک» روایت قاتلی زنجیره‌ای است که سر کارگردان‌های مشهور سینما را می‌برد و واژه «خوک» را بر پیشانی آنها حک می‌کند. ابتدای فیلم خبر می‌رسد که ابراهیم حاتمی‌کیا، رخشان بنی‌اعتماد، حمید نعمت‌الله و مانی حقیقی به دست قاتل زنجیره‌ای به قتل رسیده‌اند. حالا کارگردانی به اسم حسن که ممنوع‌الکار است و با مشکلات خانوادگی درگیر شده، خودش را در جایگاه هنرمندان تراز اول می‌بیند و گمان می‌کند همین روزها قاتل سراغ او هم می‌آید اما قاتل همه را می‌کشد و سراغ حسن نمی‌آید. تا اینکه خودش دست به کار می‌شود تا ماجرا را طور دیگری پیش ببرد.

بازنمایی قتل‌ها در درام ماجرای فیلم روی محور این قتل‌ها پیش می‌رود و شخصیت محوری مدام با شنیدن خبر قتل یکی از هنرمندان دیگر بحرانی جدید می‌شود اما مسئله اصلی فیلم نقد نقش مهم شبکه‌های اجتماعی در دنیای امروز است که هر کس قصد دارد برای برتری در این عرصه دست به هر کاری بزند. البته که در این بین پای مسائل بیشتر پرده سینما هم به میان می‌آید.

میزان موفقیت فیلم مانی حقیقی موفق شد جوایز بهترین فیلم و جایزه ویژه هیات داوران را به ترتیب از هفتمین دوره جشنواره گروالدز و سیزدهمین دوره جشنواره اروپایی فیلم‌های فانتزی استراسبورگ دریافت کند. این فیلم در بیستمین جشن خانه سینما هم برنده سه تندیس شایستگی بهترین چهره‌پردازی، بهترین طراحی لباس و بهترین موسیقی متن شد.

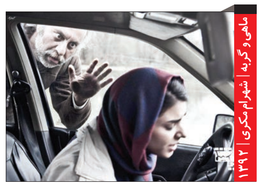

ماهی و گربه | شهرام مکری | ۱۳۹۲

ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای ابتدای فیلم متنی روی صفحه قرار می‌گیرد و تاکید می‌کند که داستان براساس یک اتفاق واقعی شکل گرفته و بعد به ماجرایی واقعی در سال ۱۳۷۷ ارجاع می‌دهد. زمانی که خبری در رسانه‌ها منتشر شد مبنی بر اینکه صاحبان یک رستوران در شمال کشور، چند جوان را کشته و گوشت آنها را جر